

### خلاصه بحث

نماز، جایگاه ویژه ای در قرآن و روایات دارد و آیات و روایات فراوانی در اهمیت نماز وارد شده است.

### آغاز سال تحصیلی

در نخستین روز از این سال تحصیلی خدمت شما بزرگواران و فضلا سلام عرض می کنم. إن شاء الله که در طول تعطیلات تابستانی بهره کافی را از فرصت ها بردید و طیب دواز بطبه بودید، و از خلل و فرص حداکثر استفاده را در تحقیق کرده باشید و این زمان تعطیل مجالی برای تحقیقات شما بوده باشد، چون در ایام تحصیل فرصت برای تحقیقات نیست. در ایام تعطیل است که انسان فارغ البال است و فرصت برای تحقیقات و جمع کردن آنچه که در طول سال تحصیل زحمت کشیده و خوانده است را دارد. در زمان تعطیلی باید اینها را جمع بکند و اینها را تدوین و تنظیم بکند. مطالعاتی کرده باشد برای تحصیل سال آینده و خود را آماده بکند.

علاوه بر اینها، تحقیقات جانبی مانند تفسیر و سایر رشته هایی که برای تبلیغ ضروری و لازم است نیز در همین فرصت تابستان انجام می شود و یک شخص فاضل، به مجرد فقه و اصول تمکن بر تبلیغ ندارد و باید سایر علوم و فنون و معارف الهی را در ایام تعطیل فرا بگیرد و مطالعه بکند و آماده باشد و در هر جایی و در هر مجلسی ولو به تعداد سه نفر و کمتر یا بیشتر فرصت را غنیمت بشمارد و حدیثی مطرح کند که جلوسش مصداق احیای امر اهل بیت علیهم السلام باشد.

خب اینها اموری است که برای یک طالب علم و فاضل و محقق لازم است که إن شاء الله شما این بهره را در ایام تعطیلات بردید بحمد الله.

### کتاب الصلاة

موضوع بحث امسال، کتاب الصلاة است و اگر عمری بود گمان می کنم ۴ الی ۵ سال این کتاب الصلاة طول بکشد.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۶/۲۴

حضرت امام در تحریر الوسیله فرموده اند:

«کتاب الصَّلاة، و هي التي تنهى عن الفحشاء والمنكر، و هي عمود الدين. إن قبلت قبل ما سواها و إن ردّت ردّ ما سواها».<sup>۱</sup>

اولین چیزی که فقها در اینجا مطرح کرده اند و در متن تحریر هم آمده و همه به آن عنایت کرده اند جایگاه نماز در آیات و روایات است.

### جایگاه نماز در آیات قرآن

جایگاه نماز در آیات شریفه قرآن جایگاهی بسیار رفیع است و به اندازه ای که آیه در مورد نماز داریم، در مورد هیچ فریضه ای اینقدر آیه نداریم.

البته ما در اینجا به اختصار به برخی از آیات از باب تبرک تمسک کرده ایم، و مجال پرداختن بیشتر به آیات را نداریم، چون بحث کامل و احصای تمام آیات پیرامون نماز، مربوط به علم تفسیر است.

### آیه اول:

(إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا)<sup>۲</sup>

این آیه دلالت دارد که نماز از واجبات موقت و دارای وقت معین است که اگر در غیر زمان خودش انجام بشود باطل است، و اگر در زمان خودش فوت بشود باید قضا شود.

### آیه دوم:

(وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ)<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> تحریر الوسیله (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۰

<sup>۲</sup> سوره نساء، آیه ۱۰۳

<sup>۳</sup> سوره بقره، آیه ۴۳

## درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۶/۲۴

تعبیر «أقيموا الصلاة» و «أقم الصلاة» چند بار در قرآن کریم تکرار شده است و این تکرار، حاکی از اهمیت این موضوع است.

سوالی که در اینجا به ذهن می رسد این است که تفاوت بین «اقامه نماز»، «قیام به نماز» و «ادای نماز» چیست؟

«أداء الصلاة» همان اتیان خارجی به نماز، و خواندن نماز است. «قیام إلى الصلاة» نیز به این معناست که شخص بایستد و قیام کند تا نماز را آداء نماید. اما «اقامة الصلاة» این است که انسان نماز را با تمام اجزاء و شرایط و حدودش انجام بدهد و هر چیزی که در صحت و قبول نماز دخل دارد را بیاورد، که در این صورت، اقامه نماز صدق می کند.

**سؤال:** اتیان به شرایط صحت نماز، واجب است و اگر رعایت نشود نماز باطل می شود، ولی آیا رعایت شرایط قبولی نماز هم واجب است؟

**جواب:** بله، چیزهایی مثل خشوع که در قبول شدن نماز دخیل هستند نیز واجب است که رعایت شوند، و انجام دادن گناهایی که در روایات ذکر شده اند که مانع از قبولی نماز می شوند حرام است، و انسان باید شرایط قبولی نماز را نیز رعایت کند، و گرنه اگر انسان نمازی بخواند که قبول نشود چه فایده ای دارد و به چه دردی می خورد؟

البته ممکن است بدون شرایط قبولی نماز نیز، عرفاً اقامه نماز صدق کند، ولی در روایات و تفسیر به همین نحوی که بیان کردیم آمده است، و اقامه نماز به معنای حقیقی کلمه آن زمانی صادق است که تمام شرایط صحت و قبول رعایت شوند. مثل دعای حضرت ابراهیم که در مورد خود و ذریه اش به محضر پروردگار چنین عرض کرد: **(رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي)**<sup>۴</sup> که این اقامه نیز به همین معنایی است که عرض کردیم.

**آیه سوم:**

**(قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ... وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ \* أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ \* الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)**<sup>۵</sup>

<sup>۴</sup>سوره ابراهیم، آیه ۴۰.

<sup>۵</sup>سوره مؤمنون، آیه ۱.

### درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۶/۲۴

یکی از شرط های فلاح و رستگاری این است که انسان در نماز خشوع داشته باشد، و اگر نماز بدون خشوع بخواند موجب رستگاری نخواهد بود.

انسانی که همه اجزاء و شرایط صحت نماز را بیاورد ولی شرایط قبولی نماز را رعایت نکند، چنین نمازی هیچ خیر و نفعی برای قیامت او نخواهد داشت. مثل نماز خلفای بنی امیه و بنی عباس که بعضی از اینها تمام حدود و ثغور نماز را هم رعایت می کردند و حتی نماز را به جماعت می خواندند و علمای درباری نیز به اینها اقتدا می کردند و نمازشان شرایط صحت را داشت ولی مقبول نبود.

چنین نمازی که شرایط قبولی را نداشته باشد، هیچ نفعی برای آخرت افراد ندارد و موجب نجات و رستگاری نخواهد بود.

**سؤال:** آیا چنین نمازی هیچ فایده ای ندارد و موجب سقوط تکلیف هم نمی شود؟

**جواب:** سقوط تکلیف ظاهری را دارد، اما این خودش یک حکم ظاهری است و هیچ دخلی در فلاح اخروی ندارد، یعنی فردی که گناهانی را انجام می دهد که مانع از قبولی نماز می شوند، و نماز هم می خواند، چنین نمازی نمی تواند او را از آتش جهنم نجات بدهد و او را وارد بهشت نماید.

**سؤال:** رابطه بین شرایط صحت و شرایط قبول چیست؟

**جواب:** رابطه آنها عموم و خصوص مطلق است، یعنی اگر نمازی مقبول باشد قطعاً شرایط صحت را نیز دارد، ولی هر نماز صحیحی، مقبول نیست.

تعبیر «علی صلواتهم یحافظون» نیز به معنای مراعات تمام شرایط صحت و قبولی نماز است، بنابراین انسان باید اجزاء و شرایط نماز را بیاورد و برخی از قواعد تجوید را نیز رعایت کند.

البته برخی از قواعد تجوید، جزو محسنات و مستحبات است، که در آینده در بحث قرائت پیرامون این مسائل صحبت خواهیم کرد.

تعبیر «یحافظون» به این معناست که نماز گزار در هر نمازی باید محافظت کند و شرایط صحت و قبول را بیاورد.

آیه چهارم:

(إِلَّا الْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ)<sup>۶</sup>

و بعد از چند آیه می فرماید: (و الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ)<sup>۷</sup>

در سوره مومنون «علی صلواتهم یحافظون» آمده بود، ولی تعبیر سوره معارج این است که «علی صلاتهم یحافظون» که خود این قرینه می شود که در هر نمازی باید این محافظت صورت بگیرد.

در این آیات از سوره معارج، دو وصف برای نماز ذکر شد، یکی دائمی بودن نماز، و دیگری نیز محافظت بر نماز.

حال باید ببینیم که تفاوت بین «علی صلاتهم دایمون» و «علی صلاتهم یحافظون» چیست؟

مراد از محافظت بر نماز، همان است که بیان کردیم، یعنی تمام شرایطی که در صحت و قبول نماز دخیل است را بیاورد، و مراد از دائم بودن این است که همین مراقبت و محافظت را در تمام نمازها داشته باشد و اینطور نباشد که یک روز رعایت کند و روز دیگر اصلاً نماز نخواند یا خارج از وقت بخواند، بلکه باید این محافظت بر نماز، همیشگی باشد.

این دو وصف، همیشه منطبق بر یکدیگر نیستند، ممکن است کسی دوام را رعایت کند و هر روز نماز را بخواند ولی محافظت نداشته باشد و شرایط صحت و قبول را رعایت نکند. ممکن هم هست که کسی محافظت بر نماز را داشته باشد ولی به صورت دائمی و هر روز و در تمام نمازها این را رعایت نکند.

آنچه که وظیفه انسان است این است که هر دو وصف را رعایت کند، یعنی اینکه هم محافظت بر نماز داشته باشد، و هم اینکه بر این محافظت، مداومت داشته باشد و در هر نمازی این شرایط صحت و قبول را رعایت نماید.

**سؤال:** در آیه شریفه «علی صلاتهم دایمون»، وصف دائم بودن، در مورد صلاة است، یعنی انسان در مورد نماز باید این مداومت را رعایت کند، و هر روز نماز بخواند، ولی طبق تفسیری که حضرتعالی بیان کردید، این مداومت مربوط به

سوره معارج، آیه ۲۲

سوره معارج، آیه ۳۴

### درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۶/۲۴

«یحافظون» است، یعنی باید این محافظت و این رعایت کردن شرایط قبولی و صحت را به صورت همیشگی و دائمی رعایت نماید. دلیل و قرینه بر این تفسیر حضرتعالی چیست؟

**جواب:** ما نیز وصف «دائمون» را مربوط به نماز می دانیم، منتهی خود نماز دو گونه است، گاهی نماز همراه با محافظت و گاهی نیز نماز بدون محافظت است. ما به قرینه آیه شریفه «علی صلاتهم یحافظون» عرض می کنیم که مداومت بر نماز، مربوط به نمازی است که محافظت داشته باشد. بنابراین مراد از مداومت بر نماز، این نیست که هر روز نماز بدون محافظت بخواند، بلکه منظور این است که هر روز، نمازی بخواند که شرایط صحت و قبول را داشته باشد.

### جایگاه نماز در روایات

۱- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا مَرْصَأُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ فَهِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ».<sup>۸</sup>

مراد از شرایع همان مشروعات است، یعنی آنچه که خداوند متعال تشریع فرموده است.

مرضاة، مصدر میمی به معنای رضوان الهی است.

منهج و سبیل به معنای راه هستند، ولی منهاج و صراط به معنای راه اصلی و بزرگ هستند.

۲- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «وَلْيَكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالْدِّينِ».<sup>۹</sup>

تعبیر «رأس الإسلام» نشان می دهد که همان جایگاهی که سر، نسبت به سایر اعضای بدن دارد، همان جایگاه را نماز نسبت به سایر عبادات دارد!

۳- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاهُ فُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ حَبَّبَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعُ الطَّعَامَ وَ إِلَى الظَّمَانُ الْمَاءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ وَ إِنَّ الظَّمَانَ إِذَا شَرِبَ رَوِيَ وَ أَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ».<sup>۱۰</sup>

بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۷۹، ص ۲۳۱.

بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۷۴، ص ۱۲۷.

## درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۶/۲۴

انسان گرسنه به صورت تکوینی حب نسبت به طعام دارد، و انسان تشنه نیز به صورت تکوینی میل به آب دارد، و چنین حبی تشریعی نیست.

حضرت در این روایت می خواهند بیان کنند که محبت ایشان به نماز نیز همینطور است و حبی تکوینی است، و از این جهت با سایر انسان ها فرق دارند.

البته اینکه ایشان از درون چنین حب تکوینی دارند و خداوند چنین چیزی را به ایشان موهبت کرده است باز هم به خاطر مجاهدت ها و زحماتی است که خود پیغمبر متحمل شده اند. مانند عصمت پیغمبران، که این نیز به خاطر علم خداوند به تلاش و کوشش پیغمبران در زندگی است و به همین خاطر از روز ازل و الست چنین عصمتی را به عنوان پاداش سعی و کوشش آنان به ایشان عنایت فرموده است.

۴- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأُتُنَابُ وَالْأَوْتَادُ وَالْغِشَاءُ وَإِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعْ طُبُّ وَلَا وَتْدٌ وَلَا غِشَاءٌ»<sup>۱۱</sup>

نماز، حکم عمود خیمه را دارد که اگر عمود نباشد، ریسمان و میخ و پارچه هیچکدام فایده ای نخواهد داشت و خیمه واژگون خواهد شد.

تعبیر دیگری نیز در مورد نماز وارد شده است که در جزوه موجود است و ان شاء الله خودتان مطالعه کنید. مانند اینکه نماز اولین چیزی است که در روز قیامت محاسبه می شود، و اگر قبول بشود سایر اعمال قبول می شوند و اگر قبول نشود سایر اعمال نیز رد می شوند. و نیز وصیت امام صادق علیه السلام در لحظات پایان عمر شریفشان که فرمودند: اگر کسی نسبت به نماز استخفاف داشته باشد از شفاعت بی بهره خواهد بود.

بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۷۴، ص ۱۰۷۷

الکافي - ط الاسلامیة، الشيخ الكليني، ج ۳، ص ۱۱۰۲۶